

شعر



مجموعه آثار کاریکاتور آرش فروغی

انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)

دفتر هنرهای تجسمی / استان لرستان



ریفرم

مجموعه آثار کاریکاتور آرش فروغی

چاپ، صحافی و لیتوگرافی: واژه پرداز اندیشه - چاپ اندیشه
چاپ اول: ۱۳۹۶
شمارگان: ۱۱۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۰۵۴۹-۹

مل و چاپ نوشته ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

سرنام: آرش، آرش، آرش، ۱۳۶۷ -
عنوان: پدید آمدن، رفرم / مجموعه آثار کاریکاتور آرش فروغی
مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۸۰ ص.؛ مصور (رنگی).

ISBN: 978-600-03-0541-9

وضعیت فهرست نویسی: بیا
یادداشت: انگلیسی - فارسی
موضوع: کاریکاتورها و کارتون ها - ایران
موضوع: Caricatures and cartoons -- Iran
موضوع: طنز فارسی -- قرن ۱۴
موضوع: Satire, Persian -- 20th century
شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر
رده بندی کنگره: ۴۹۱۳۹۶/ف/۱۷۲۹ NC
رده بندی دیویی: ۷۴۱/۵۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۲۴۳۰۸

نشانی: تهران - خیابان حافظ / خیابان رشت، پلاک ۲۳

صندوق پستی: ۱۱۴۴-۱۵۸۱۵

تلفن: ۶۱۹۴۲ سامانه پیامک: ۳۰۵۳۱۹

تلفن مرکز پخش: (پنج خط) ۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱

www.sooremehr.ir



محمدحسین امیدی پور
(رئیس حوزه هنری لرستان)

پیشگفتار

پدیده انفجار اطلاعات همچون هر پدیده نو ظهور، یگر در دنیای نوین آسیب‌ها و فرصت‌هایی را پیش روی انسان قرن بیست و یکم قرار داده است. امروز هر انسان، در هر نقطه از جهان با یک گوشی تلفن همراه عمده اطلاعات علمی، فرهنگی و اجتماعی جهان را در اختیار دارد و در معرض حجم انبوهی از اطلاعات و اخبار از سراسر جهان قرار گرفته است. اگرچه این موضوع اثرات مخرب را برای خرده فرهنگ‌ها و مجموعه‌های کوچک‌تر مانند خانواده‌ها به دنبال داشته، فرصت‌هایی را در بخش‌های دیگر پیش روی فعالان فرهنگی به ویژه هنرمندان قرار داده است. رسیدن سرعت تبادل اطلاعات در فضای سایبری و شبکه‌های اجتماعی به چند ساعت یا حتی دقیقه، فرصت کم‌نظیری را پیش روی هنرمند تجسمی، به ویژه عکاسی و کاریکاتور به خاطر زمینه‌های اجتماعی‌شان قرار داده است به طوری که شاهد رشد و گسترش این هنرهای تأثیرگذار در سال‌های اخیر هستیم. انتشار یک فریم عکس کودک مهاجر جان‌باخته سوریه‌ای در شبکه‌های اجتماعی در جریان جنگ‌های داخل این کشور، سیاستمداران کشورهای اروپایی را به تغییر رویکرد در خصوص مهاجران سوریه

و اداری کرد و ارائه کاریکاتور چهره ناتانیاهو، توسط آرش فروغی هنرمند جوان لرستانی در جشنواره کاریکاتور و فضای مجازی، نخست وزیر رژیم صهیونیستی را به واکنش واداشت. این اتفاقات به ظاهر کوچک، نشانه‌ای از یک رویداد بزرگتر است و آن تزلزل در تسلط غول‌های رسانه‌ای در دنیای امروز و اهمیت یافتن دوباره قدرت فکر در برابر ابزار است. به نظر می‌رسد بهره‌گیری از این فرصت به وجود آمده نیازمند آموزش و تربیت نسل جدیدی از هنرمندان جوان است که علاوه بر توانایی‌های تکنیکی از آگاهی کافی در خصوص میزان تأثیرگذاری آثارشان برخوردار باشند. آرش فروغی کاریکاتوریست چیره‌دست لرستانی نمونه شاخص این نسل از هنرمندان است. هنرمندی که از دو ویژگی تکنیک و آگاهی به خوبی برخوردار است و همین امر موجب شده تا او به سرعت به یک چهره بین‌المللی در عرصه کاریکاتور تبدیل شود. هنرمند طراز انقلاب اسلامی کسی نیست که به او بگوئیم چکار باید بکند، بلکه او باید کسی باشد که از او بپرسیم چکار باید کرد؟! او باید آفریننده تفکر باشد نه مجری افکار و آرش فروغی به درستی در متن این تعریف قرار گرفته است. او با آگاهی از قدرت تأثیرگذاری هنرش جریانی را در کاریکاتور لرستان پدید آورده است که می‌رود تا با همراهی سایر هنرمندان خوش ذوق این رشته در کشور، سایر نقاط جهان تبدیل به یک جریان جهانی شود.

▲ ▲ ▲

مقدمه

(سیدمسعود شجاعی طباطبائی)



اینکه بهره‌شخص خاصی توجه‌مان را به خود جلب کرده باشد، بدون شك برای ما اتفاق افتاده است. در این ارتباط این تصویر در گوشه‌ای از ذهن‌مان جا خوش می‌کند. ما بتوانیم بعدها راجع به آن صحبت کنیم و به توصیف آن

چهره پردازیم. در این ارتباط به طور قطع برای بیان دقیق‌تر به اغراق روی می‌آوریم. حالا اگر در قالب یک هنرمند کاریکاتوریست جای بگیریم، قطعاً با حساسیتی بیشتر و با ذهنی پویاتر و با احساسی عمیق‌تر به موضوع توجه خواهیم کرد.

در عین حال برای بازنمایی چهره در شکل کاریکاتور باید با عوامل بصری و مبانی تجسمی آشنا باشیم. به عبارتی در اینجا علاوه بر خوب دیدن و درك درست از شخصیت مورد نظر تلاش می‌کنیم با استفاده از عناصر بصری مناسب و با بهره‌گیری از سه عنصر حذف، اغراق و تعدیل، تلاش شود تا علاوه بر نمایش سوژه از شباهت کار کاسته نشود و در مرحله نهایی با ممارست و تلاش و تمرین، نمایه‌های زیرین یا شخصیت درونی شخصیت مورد نظر برسیم.

در این میان نمایش احساس نیز با حکایتی از درك فراواقع از عنصر مورد نظرمان رخ می‌دهد.

آرش فروغی تمامی موارد مطرحه در بالا را به خوبی درك کرده و در حال گذرا از آنها می باشد. این هنرمند برای تبیین افکار و واقعیات سوژه مورد نظرش، به آنچه در درون و نه برون آن رخ می دهد، علاقه مندی و توجه نشان می دهد. آرش فروغی با بررسی موضوع مورد نظرش به کنکاش درباره آن از زوایای مختلف دست می زند. او در واقع با تمرکز بر معنا، به اغراق دست می زند. در اینجا وی با بزرگ نمایی، کوچک نمایی و تعادلی که بین این اجزا ایجاد می کند به دنبال رسیدن به شباهت است. از سوی دیگر، آنقدر در تخیل غوطه ور می شود و آن را وسعت می بخشد تا بین دو عالم خیال و واقعیت پل بنابرین خود اجازه می دهد به هر اندازه که می خواهد تخیلات خویش را وسعت ببخشد و در واقعیت دخل و تصرف کند، چرا که به درستی دریافته است که اثر هنری اش انعکاس تخیل در عین توجه به واقعیت است.

در کارهای آرش فروغی، به خوبی می توان فهمید که او برای رسیدن به حقیقت چقدر تجربه و اندوخته دارد که با این پس زمینه می تواند از لایه های ظاهری عبور کند و به آن سوی تخیل برسد.

عناصر در آثار آرش فروغی، دارای ارزش های ویژه ای هستند، او به خوبی با عناصر بصری در خلق آثارش آگاه است. از خط، سطح، فرم، سایه روشن و رنگ تا بافت و جزئیاتی که بیننده از دیدن آنها به شعف می آید. او اهمیت هر کدام از این موارد را به خوبی دریافته است و با تسلط بر آنها به زعم حضور نه چندان بلندش در عرصه کاریکاتور به جایگاهی بالایی رسیده است. او ارزش های خط، رنگ و بافت با توجه به واکنش های روانی آن را

به خوبی دریافته است. حاصل کار او عصاره‌ای متراکم و در عین حال ساده است و مخاطب عام به خوبی با آن ارتباط برقرار می‌کند. بالاتر از همه این‌ها، آرش فروغی یاد گرفته است که خوب ببیند و در ذهن پویایش مسائل را به درستی بررسی نماید، بنابراین در حال حاضر با هنرمندی روبرو هستیم که با مفهوم کاریکاتور و قابلیت‌های آن به خوبی آشناست و با توجه به حرفه‌اش آینده بسیار خوبی به طور قطع می‌توان برای او متصور بود، همچنان که در حال حاضر نیز آثار او شاخص‌ها را بین المللی در این عرصه را دارند و بی‌علت نیست که در کارنامه او جوایز معتبر و متعددی را از فستیوال‌ها و جشنواره‌های بزرگ دنیا شاهدیم.

حال می‌توان با قدرت گفت، این جوان برومند لرستانی به دور از امکانات مرکز توانسته است پله‌های ترقی را با تلاش شخصی خودش بپیماید و آثارش مورد تقدیر و توجه همگان قرار گیرد. افتخار بزرگی برای من است که این هنرمند توانمند را سال‌هاست که می‌شناسم و به وضوح می‌بینم که علاوه بر داشتن تمامی مؤلفه‌های کار خوب، خودش نیز یک انسان بسیار دوست داشتنی و با محبت است. اصل تالان در عرصه هنر به نظرم بسیار مهم است. او بی‌شک پله‌های مرسوم عالم هنر و شنفکرزده از نوع نادرست آن و بی‌توجه به مناسباتی از این دست، قله‌های ترقی را یک به یک فتح می‌کند و به پیش می‌رود و در این راه با تلاشی بی‌وقفه جایگاه ارزنده‌ای را برای این مرزوبوم ایجاد کرده که می‌توان به آن افتخار کرد.

برای این هنرمند خوب آرزوی بهترین‌ها را دارم و می‌دانم که آینده متعلق به اوست.

«از یک طراحی ساده در کلاس درسی در خرم آباد تا رسیدن به مهم‌ترین جایزه

دوسالانه کاریکاتور برزیل راه، بسیار طولانی بود. راهی که من فقط و فقط با کار کردن مداوم

آن را طی کردم. از طرح‌های ساده گوشه دفتر طراحی و دیدن کاریکاتورهای کیهان کاریکاتور

شروع شد و رسید به جایی که حالا کارهایم بایک سرچ ساده در اینترنت پیدایمی شود. من آرش فروغی

هستم کاریکاتوریست، طراح و تصویرگر، متولد سال ۱۳۶۷ شهرستان خرم آباد استان لرستان.»

من در هنرستان درس خوانده‌ام. رشته‌ام گرافیک بود و با اینکه وارد دنیای هنر شده بودم اما خیلی با کاریکاتور آشنا نبودم. سبکی از جلسه‌ها قرار بود کاری را به عنوان تمرین تحویل بدهیم. کاری که من کشیده بودم اغراق زیادی داشت و شبیه کاریکاتور شده بود. استادم اهل کاریکاتور بود، طراحی‌ام را دید و گفت: «چرا کاریکاتور کار نمی‌کنی؟»

صادقانه گفتم: چون اطلاعاتی ندارم.

چند روز بعد تعدادی نشریه برایم آورد مثل کی‌مان کاریکاتور؛ که بخوانم و آشنا شوم. در یک هفته همه مجله‌ها را خواندم، از اول تا آخر. آن هم نه یک بار بلکه چندین بار. بعد دیدم انگار من هم می‌توانم کار کنم و شروع کردم به کشیدن.

آن اوایل کاریکاتور موضوعی می‌کشیدم اما به خاطر اینکه قبل از طراحی چهره آشنا بودم، رفتم سراغ کاریکاتور. من سال ۱۳۸۳ کارم را شروع کردم و سال ۱۳۸۸ اولین جایزه‌ام را گرفتم. در این پنج سال کلی اتفاق برایم افتاد، تصویر درست و روشنی از آینده نداشتم، نقطه روشنی که وجود داشت باعث می‌شد بتوانم ادامه بدهم خانواده‌ام بود. پدرم نقاش بود و من نقاشی و طراحی را از او یاد گرفتم. علاوه بر اینکه در کار راهنمایی‌ام می‌کرد با من هم‌پا و هم‌قدم بود. درکم می‌کرد و فشاری روی من نمی‌آورد اما اصلی‌ترین دلگرمی‌ام را از مادرم دارم که واقعاً از لحاظ روحی من را ساپورت می‌کرد.

سال ۱۳۸۸ جشنواره‌ای در گرگان برگزار شد که من هم در آن شرکت کردم و در آن جشنواره برای اولین بار استادان این رشته را از نزدیک دیدم. افتخار آشنایی با استاد جواد عزیزاده و استاد بهمن عبدی را پیدا کردم که برایم افتخار بسیار بزرگی بود و توانستم از تجربیات با ارزش آنها بهره ببرم.

در سال ۱۳۹۰ در اختتامیه جشنواره فجر افتخار آشنایی با استاد عزیزم سید مسعود شجاعی طباطبایی را پیدا کردم، شخصی که در پیشرفت کاری‌ام نقش بسیار پررنگی داشت و همیشه الگوی من بود. برخورد گرم ایشان و نظرات مثبتی که به آثار من داشتند باعث شد با انگیزه‌ای بیشتر برای پیشرفت تلاش کنم و توانستم یک قدم دیگر جلو بروم. آرزوهای بزرگی دارم و می‌خواهم روزی بهترین کاریکاتورист جهان بشوم آرزوی دوری نیست و به نظرم می‌توانم به آن برسم.

کل کارهای روزانه‌ام شده کاریکاتور. بسیاری از مسائل دیگر را از زندگی‌ام حذف کرده‌ام تا بتوانم روی کارم تمرکز کنم. وقتی توی کار غرق می‌شوم، دیگر گذر زمان را حس نمی‌کنم. کار من حرف و تفکر من را معنا می‌دهد و اگر به حرفی که می‌زنم معتقد نباشم نتیجه‌ای ندارد برای بیننده دلنشین نخواهد بود. من در خانواده معتقدی بزرگ شده‌ام که ارزش‌های دینی و انقلابی ار همان کودکی به ما آموخته شد. به نظرم یک هنرمند باید آزاده باشد و آزادگی را در آثارش منعکس بکند. حرف و عملش یکی باشد تا صداقت در آثارش جلوه‌گر شود. من همیشه از دریچه نگاه خودم به موضوعات روز جهان نگاه می‌کنم و با ترسیم احساسات درونی که در من شکل می‌گیرد و ترکیب آن با چاشنی طنز در آثارم، سعی می‌کنم به بیننده فرصت بررسی دقیق‌تر و تفکر بیشتر بدهم.

۱۳ سال از زمانی که برای اولین بار یک کاریکاتور کشیدم می‌گذرد و من هر بار که به عقب نگاه می‌کنم بیشتر به اهمیت زمان و سرعت گذر آن پی می‌برم. کاریکاتور ابتدا زبان من است سپس هنر من و چه بسیار حرف‌ها که من برای گفتن دارم.